

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۹، شماره ۱، پیاپی ۱۴ (بهار و تابستان ۱۴۰۳) شماره صفحات: ۷۵ - ۸۹

بررسی تکواژ «تا» فارسی در گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی

عبدالحسین حیدری^{۱*}، شهرام اسفندیاری^۲، ابراهیم سامانی^۳

۱. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲. مدرس گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

چکیده

در این پژوهش، نمود آوایی تکواژ «تا» فارسی به عنوان حرف ربط و حرف اضافه در گفتار گویشوران آذربایجانی مطالعه می‌شود. داده‌ها از تعاملات زبانی گویشوران مناطق مختلف استان‌های آذربایجان شرقی و اردبیل جمع‌آوری شده است. نخست کاربرد تکواژ «تا» به صورت حرف ربط و حرف اضافه با معانی گوناگون از گفتار گویشوران استخراج و فراوانی کاربرد آنها مشخص شد. سپس داده‌ها بر اساس دیدگاه‌های مطرح در حوزه پدیده برخورد زبان‌ها تحلیل شد. بنابراین پژوهش حاضر پیکره‌بنیاد است و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که فراوانی کاربرد تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط (در معانی بیان علت، زمانی که، همین که و شرط) نسبت به فراوانی کاربرد همین تکواژ به صورت حرف اضافه، خیلی بیشتر است. همچنین تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط در گفتار همه گویشوران، حتی گویشوران تک‌زبان آذربایجانی به وفور یافت می‌شود. بنابراین دو معیار بسامد کاربرد و راه‌یابی عنصر زبانی به گفتار و زبان تک‌زبان‌ها، شواهدی دال بر قرضی بودن تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط در زبان آذربایجانی است. فراوانی کاربرد تکواژ «تا» در نقش حرف اضافه و حرف ربط در معانی خاص (تردید، از وقتی که) در گفتار گویشوران آذربایجانی پایین‌تر است؛ همچنین این نوع تکواژها فقط در گفتار دوزبان‌های آذربایجانی-فارسی ظاهر می‌شوند. بنابراین تکواژ «تا» به عنوان حرف اضافه و حرف ربط در معانی خاص، هنوز به صورت عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبان‌ها نمود آوایی دارند و احتمال دارد با گذر زمان، به تدریج به گفتار تک‌زبان‌ها نیز راه یابند و به عناصر قرضی در زبان آذربایجانی تبدیل شوند. اکثر دیدگاه‌های مطرح در پدیده برخورد زبان‌ها فقط به مطالعه نتایج قرض‌گیری بسنده کرده‌اند؛ در صورتی که پیوستار رمزگردانی-قرض‌گیری روند راه‌یابی و تثبیت عناصر غیربومی در زبان پذیرا را ترسیم کرده است. راه‌یابی تکواژ «تا» فارسی به گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی نیز مهر تأییدی بر روند انتقال تدریجی عنصر نقشی از زبانی به زبان دیگر است که در این پژوهش، طبق پیوستار رمزگردانی-قرض‌گیری تحلیل می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

برخورد زبانی

قرض‌گیری

زبان فارسی

زبان آذربایجانی

تکواژ «تا»

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۹ خردادماه ۱۴۰۳

پذیرش: ۲ مردادماه ۱۴۰۳

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: a.heidari@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

اقوام و ملل مختلف در طول تاریخ ناگزیر از ارتباط و تعامل با یکدیگر بوده‌اند و همین ارتباطات موجب شده است تا زبان‌های آن‌ها نیز در معرض تماس یا برخورد با یکدیگر قرار گیرند. قرض‌گیری زبانی یکی از پیامدهای برخورد زبان‌ها است که طی آن عناصر یا سازه‌هایی از یک زبان به زبان دیگر منتقل می‌شوند. وام‌گیری یا قرض‌گیری زبانی انواع مختلفی دارد که از آن‌ها به عنوان قرض‌گیری واژگانی، قرض‌گیری دستوری و قرض‌گیری واجی یاد می‌شود. از دیدگاه توماسون^۱ و کافمن^۲ (۱۹۸۸) اگر دوزبانگی گسترش یابد و فشار فرهنگی از طرف سخنگویان زبان مبدا روی گویشوران زبان قرض‌گیرنده طولانی‌مدت و شدید باشد، ویژگی‌های دستوری و واجی نیز به دنبال عناصر واژگانی قرض گرفته می‌شود. دورکین^۳ (۲۰۱۴) واژه‌ها را بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان می‌داند که به آسانی بین زبان‌ها رد و بدل می‌شوند. در میان واژه‌های محتوایی (اسم، فعل، صفت و قید) اسم‌ها به راحتی از زبانی به زبان دیگر راه پیدا می‌کنند؛ در صورتی که قرض‌گیری فعل‌ها خیلی محدود است. در بین تکواژهای نقشی (حروف اضافه، حرف تعریف، حروف ربط و...)، قرض‌گیری حروف اضافه به ندرت اتفاق می‌افتد. پژوهشگرانی نظیر موراوزچیک^۴ (۱۹۷۵)، میرزاسکاتن^۵ (۲۰۰۲)، ماتراس^۶ (۲۰۰۹) و... اظهار کرده‌اند که فعل‌ها و حروف اضافه بر سازه‌های دیگر در جمله حاکم هستند و به آن‌ها حالت می‌دهند. بنابراین انتقال این واژه‌ها به زبان یا زبان‌های دیگر تحت شرایط و محدودیت‌های خاصی انجام می‌یابد. حروف ربط در حد فاصل بین واژه‌های محتوایی مانند اسم و تکواژهای نقشی همچون حروف اضافه قرار دارند؛ بنابراین راه‌یابی آن‌ها به زبان دیگر، آسان‌تر از حروف اضافه رخ می‌دهد. حروف ربط و حروف اضافه هر دو مقولات نحوی هستند. حروف ربط نقش تعیین‌کننده‌ای در تشکیل ساختارهای زبانی ایفا نمی‌کنند، در صورتی که حروف اضافه، واژه‌ها یا تکواژهای ثابتی هستند که همواره به صورت یکسان به کار برده می‌شوند و این عناصر زبانی نقش متممی گروه اسمی همراه خود را نشان می‌دهند. تکواژ «تا» سازه‌ای است که با توجه به کاربردش در بافت‌های گوناگون زبان، به صورت حرف اضافه یا حرف ربط در زبان فارسی نقش آفرینی می‌کند. طبق نظر مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴)، تکواژ «تا» به عنوان حرف اضافه به مسافت و راه تا مقصد و پایان طول زمان مشخص اشاره دارد و به دنبال گروه حرف اضافه‌ای «از» به کار می‌رود، مانند «از خانه تا محل کار» یا «از صبح تا عصر». اما در جمله «همه دانشجویان آمده بودند تا در جلسه سخنرانی حاضر باشند»، تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط در جمله‌واره یا بند وابسته قیدی قرار گرفته است تا به هدف یا منظور گوینده اشاره کند.

¹ S. Thomason

² T. Kaufman

³ P. Durkin

⁴ E. Moravcsik

⁵ C. Myers-Scotton

⁶ Y. Matras

کاربرد فراوان تکواژ «تا» فارسی به عنوان حرف ربط در گفتار گویشوران آذربایجانی و کاربرد محدود همین تکواژ تحت عنوان حرف اضافه در گفتار بخشی از گویشوران (دوزبانه‌های آذربایجانی-فارسی) موجب شد تا در این پژوهش، رخداد تکواژ «تا» فارسی در زبان و گفتار گویشوران آذربایجانی بر اساس دیدگاه‌های مطرح در حوزه برخورد زبانی تحلیل شود. دیدگاه‌هایی همچون موراوزچیک (۱۹۷۵)، توماسون و کافمن (۱۹۹۸)، میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶)، ماتراس (۲۰۰۹)، سیفارت^۱ (۲۰۱۷) و... که سلسله‌مراتب قرض‌گیری یا محدودیت‌های حاکم بر قرض‌گیری واژگانی و دستوری را با ارائه نمونه‌های فراوانی از زبان‌های مختلف جهان تبیین کرده‌اند، در بخش بعدی پژوهش با جزئیات بیشتری تشریح می‌شوند. بنابراین هدف پژوهش حاضر، مطالعه روند انتقال تکواژ «تا» از زبان فارسی به زبان آذربایجانی است که با فرض تدریجی بودن این انتقال و بررسی علل راه‌یابی یا راه‌یابی محدود یک سازه با دو نقش دستوری مختلف به زبان دیگر انجام می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه توماسون و کافمن (۱۹۸۸) را می‌توان نقطه عطفی در پژوهش‌های حوزه برخورد زبان‌ها به حساب آورد، زیرا اولین مطالعه‌ای بود که چارچوب جامعی را برای تبیین طیف گسترده‌ای از پدیده‌های مرتبط با برخورد زبان‌ها همچون قرض‌گیری، تداخل، همگرایی، پی‌جین، کریول و... ارائه کرد. البته هاگن^۲ (۱۹۵۰) و واین‌رایش^۳ (۱۹۵۳) اولین پژوهشگرانی بودند که برخورد زبان‌ها را به عنوان یک رشته پژوهشی جدید در عرصه زبان‌شناسی معرفی کردند. ابتدا تمرکز پژوهش‌ها بر قرض‌گیری واژگانی بود اما به تدریج این تمرکز از مطالعه نتایج قرض‌گیری به سمت و سوی فرایند قرض‌گیری و تبیین اصول این روند تغییر یافت. در ادامه، پژوهشگران متعددی محدودیت‌های حاکم بر انواع مختلف قرض‌گیری واژگانی و دستوری را مورد مطالعه قرار دادند تا به جهانی‌های قرض‌گیری میان زبان‌ها دست پیدا کنند. هاگن (۱۹۵۰) ترتیب طبیعی قرض‌گیری واژگانی را به این صورت ارائه کرد: اسم < فعل < صفت < قید < حرف < اضافه < صوت

سپس پژوهشگران دیگری نظیر میوسکن^۴ (۱۹۸۱)، توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، ماتراس (۲۰۰۹)، سیفارت (۲۰۱۷) و... سلسله‌مراتب قرض‌گیری سازه‌ها و ساخت‌های زبان را با مطالعه در زبان‌های مختلف جهان ارائه کردند. بنابراین، مقوله‌های متعدد زبانی در انتقال از زبانی به زبان یا زبان‌های دیگر، به طور یکسان و همزمان عمل نمی‌کنند و همین امر زبان‌شناسان را بر آن داشت تا سلسله‌مراتب قرض‌گیری سازه‌ها و ساخت‌های زبانی را ترسیم کنند و علل پس و پیش بودن مقوله‌های مختلف زبانی در جریان قرض‌گیری را تحلیل کنند.

¹ F. Seifart

² E. Haugen

³ U. Weinreich

⁴ P. Muysken

میوسکن (۱۹۸۱) با تحلیل عناصر فرضی زبان اسپانیایی در زبان چکووا، سلسله مراتب قرض‌گیری زبانی را گسترش داد: اسم < صفت < فعل < حرف اضافه < حرف ربط هم‌پایه < کمی‌نما < حرف تعریف < ضمیر < واژه‌بست < حرف ربط وابسته.

توماسون و کافمن (۱۹۸۸) با در نظر گرفتن شدت برخورد زبان‌ها و فواصل رده‌شناختی آن‌ها از یکدیگر، طبقه‌بندی خود را از قرض‌گیری عناصر زبانی را ارائه می‌کنند که به این صورت است:

سطح اول: سطحی که واژگان یا همان واژه‌های محتوایی (اسم و صفت) را در بردارد؛

سطح دوم: سطح واژه‌های نقشی (حروف ربط و قیدها)، همراه با تغییرات نحوی محدود؛

سطح سوم: سطح حروف اضافه و انواع وندها؛

سطح چهارم: سطح ویژگی‌های دستوری عمده مانند ترتیب کلمات؛

سطح پنجم: تغییرات عمده ساختارهای نحوی که موجب تغییر در ساختمان و رده‌بندی صرفی زبان قرض‌گیرنده می‌شود.

چنانچه در سلسله مراتب قرض‌گیری توماسون و کافمن (۱۹۹۸) دیده می‌شود، پایین‌ترین سطح قرض‌گیری به واژگان اختصاص دارد، در حالی که رخدادهای قرض‌گیری ساختاری و نحوی، فقط در سطوح بالاتر ممکن است. از نظر توماسون و کافمن (۱۹۸۸) وجود قرض‌گیری ساختاری در یک زبان، حاکی از آن است که قرض‌گیری واژگانی از قبل در همان زبان اتفاق افتاده است. دامنه تغییرات نحوی در سطح دوم سلسله مراتب، محدود و اندک فرض شده است زیرا توماسون و کافمن (۱۹۸۸) بر این باورند که حروف ربط قرضی نمی‌تواند تغییراتی را از لحاظ رده‌شناختی در زبان قرض‌گیرنده به وجود آورند؛ مانند قرض‌گیری حروف ربط هلندی بروکسلی از زبان فرانسه که تغییرات نحوی محدودی را در زبان پذیرنده سبب شده است. سطوح بالاتر سلسله مراتب که سطوح قرض‌گیری ویژگی‌های عمده دستوری را دربردارند، می‌تواند به تغییرات عمده‌ای در ساخت زبان قرض‌گیرنده منجر شوند.

ماتراس (۲۰۰۹) با مرور مطالعات پیشین، به سلسله مراتب دیگری در حوزه قرض‌گیری زبانی اشاره دارد:

الف. واژگانی < غیرواژگانی

ب. تکواژهای آزاد < تکواژهای وابسته

ج. اسم < غیراسم

د. وندهای اشتقاقی < وندهای تصریفی

ه. ساخت‌های دستوری که همراه با عناصر دستوری منتقل می‌شوند.

با توجه به سلسله مراتب پیشنهادی ماتراس (۲۰۰۹) می‌توان گفت که قرض‌گیری عناصر غیرواژگانی زبان، منوط به انتقال واژه‌ها است؛ به عبارت دیگر مادامی که قرض‌گیری واژگانی اتفاق نیفتد، عناصر غیرواژگانی یا

دستوری به زبان پذیرا منتقل نمی‌شوند. سیفارت (۲۰۱۷) با اشاره به قرض‌گیری سریع‌تر وندهای اشتقاقی نسبت به وندهای تصریفی، نشان می‌دهد که قرض‌گیری وندهای تصریفی فعل در مقایسه با وندهای تصریفی اسم، به ندرت رخ می‌دهد.

میرزاسکاتن (۱۹۹۳) براین باور است که پژوهش‌های مذکور نتایج قرض‌گیری زبانی را مطالعه کرده‌اند و از پرداختن به مراحل قرض‌گیری و روند تثبیت سازه‌ها و ساخت‌های قرضی در زبان قرض‌گیرنده غافل مانده‌اند. طبق دیدگاه میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶) واژه قرضی نخست در گفتار دوزبان‌ها ظاهر می‌شود که از آن به عنوان واژه رمزگردانی شده نام برده می‌شود، سپس این واژه به واسطه کاربرد زیاد در زبان قرض‌گیرنده، به گفتار تک‌زبان‌ها نیز راه پیدا می‌کند و به واژه قرضی تبدیل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که رمزگردانی زبانی ریشه پدیده قرض‌گیری است. واژه‌های فراوانی مانند رادیو، تلویزیون، ماشین و... مدت زمان طولانی است که در زبان فارسی نقش آفرینی می‌کنند و واژه‌های قرضی محسوب می‌شوند؛ در صورتی که واژه‌هایی مانند edit و version در جمله «آخرین ورژن را برایم ادیت کن»، عناصر رمزگردانی شده‌ای هستند که فقط در گفتار افراد تحصیل کرده و خاصی نمایان می‌شوند و هنوز به گفتار و زبان تک‌زبان‌ها وارد نشده‌اند. از نظر میرزاسکاتن (۱۹۹۳) عناصر رمزگردانی شده، فراوانی یا بسامد کاربرد کمی در زبان پذیرا دارند در حالی که عناصر قرضی دارای بسامد کاربرد زیاد یا کامل هستند. عناصر رمزگردانی شده و قرضی در طول یک پیوستار یا طیف قرار دارند و ممکن است عناصر رمزگردانی شده با گذشت زمان در یک جامعه زبانی به عناصر قرضی تبدیل شوند. میرزاسکاتن (۲۰۰۲) در ادامه، از دو نوع قرض‌گیری فرهنگی^۱ و کانونی^۲ نام می‌برد. عناصر قرضی فرهنگی بر اشیا یا مفاهیمی دلالت دارند که در فرهنگ زبان پذیرا تازگی دارد اما عناصر قرض کانونی برای اشاره به اشیا و مفاهیمی به کار برده می‌شوند که خود زبان پذیرا نیز واژه‌هایی برای آن اشیا و مفاهیم دارد. میرزاسکاتن (۲۰۰۲) مدعی است واژه‌هایی که برای دلالت بر موارد فرهنگی به کار برده می‌شوند، نباید به عنوان عناصر رمزگردانی شده در نظر گرفته شوند، هر چند فقط یک‌بار در پیکره زبانی پذیرا اتفاق افتاده باشند، زیرا واژه‌هایی هستند که در فرهنگ زبان پذیرا تازگی دارند.

در ارتباط با قرض‌گیری زبان آذربایجانی از زبان فارسی به ویژه در حوزه قرض‌گیری ساخت‌های دستوری، کامری^۳ (۱۹۸۹) به حروف ربط فارسی (اگر، اما، ولی و...) اشاره دارد که از آغاز قرن سیزدهم میلادی به زبان‌های ترکی منتقل شده‌اند و تغییراتی را در ساخت‌های دستوری این زبان‌ها به وجود آورده‌اند. افزون بر این، زبان‌شناسان

¹ cultural borrowing

² core borrowing

³ B. Comrie

و دستورنویسانی مانند آندرهیل^۱ (۱۹۷۹)، فرزانه (۱۳۵۷)، لی^۲ (۱۹۹۶) و... نیز از انواع مختلف حروف ربط فارسی نام می‌برند که گویشوران آذربایجانی از مدت‌ها پیش در زبان خود به کار می‌برند.

حیدری (۱۳۹۷) نیز با بررسی کاربرد حروف ربط فارسی در گفتار گویشوران آذربایجانی، به تأثیرپذیری ساخت زبان آذربایجانی از زبان فارسی پرداخته است. طبق یافته‌های وی، گویشوران آذربایجانی با قرض‌گیری حروف ربط فارسی افزون بر ساخت‌های نحوی زبان خود، برای پیوند بندهای جمله مرکب ناهم‌پایه از الگوهای نحوی زبان فارسی بهره می‌برند که این تغییرات بیشتر انگیزه‌ها و دلایل کاربردی و گفتمانی دارد.

داوری (۱۳۹۹) با مطالعه در زمانی، ضمن معرفی نظام حروف ربط در متن تاریخ بلعمی، به مقایسه تفاوت‌های صوری و نقشی آن نظام با فارسی نو می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد نظام حروف ربط در تاریخ بلعمی به لحاظ عملکرد و ساخت‌هایی که مفاهیم ارتباطی میان بندها را رمزگذاری می‌کنند تا حدودی مشابه فارسی امروزی است، هر چند تنوع واژگانی حروف ربط در فارسی نو بیشتر از تنوع حروف ربط در تاریخ بلعمی است. همچنین تعدادی از حروف ربط از جمله «تا» مصداق‌های چندمعنایی هستند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در این بخش، ابتدا معناهای مختلف تکواژ «تا» فارسی طبق فرهنگ بزرگ سخن انوری (۱۳۸۱) بررسی می‌شود که مبنای تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر بوده است؛ سپس روند گردآوری و روش پژوهش تشریح می‌گردد. تقریباً اکثر زبان‌شناسان و دستورنویسان زبان فارسی مانند انوری (۱۳۸۱)، مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴) و... از نقش آفرینی تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط و حرف اضافه در زبان فارسی سخن به میان آورده‌اند. آن‌ها بر این باور هستند که «تا» به عنوان حرف ربط، دو جمله یا به عبارتی دیگر دو فعل را به هم پیوند می‌دهد. برای مثال در جمله «درس می‌خوانم تا با سواد باشم»، دو فعل درس خواندن و باسوادبودن از طریق حرف ربط «تا» به هم پیوند خورده‌اند. «تا» به عنوان حرف اضافه نیز بر پایان زمان و مکان یا امری دلالت دارد، مانند: از صبح تا شب، از شرق تا غرب، تا پای جان می‌جنگیم. از میان پژوهشگران نام‌برده شده، انوری (۱۳۸۱) معانی مختلفی را برای «تا» به عنوان حرف ربط و حرف اضافه ارائه کرده است که در ادامه همراه با مثال‌های گوناگون توضیح داده می‌شود.

۳-۱. تکواژ «تا» فارسی به عنوان حرف ربط و حرف اضافه

۳-۱-۱. «تا» به عنوان حرف ربط

انوری (۱۳۸۱) برای تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط، ۱۲ معنای مختلف بیان کرده است که عبارتند از:

¹ R. Underhill

² S. N. Lee

- تا زمانی که:

تا همه مسئله‌ها را حل نکرد، نخواید.

- همین که، وقتی که، به محض این که:

تا پدرم را دیدم، سلام کردم.

- برای بیان علت و نتیجه:

کوشش کن تا موفق شوی.

- هر قدر که، هر اندازه که:

تا بخواهی گل و درخت آنجا هست.

- برای بیان شرط، اگر:

تا نکوشی، موفق نمی‌شوی.

- برای تفسیر و بعد از فعل‌هایی که دلالت بر بیان می‌کنند مانند گفتن و فرمودن و...

خدای تعالی فرشته‌ای را فرمان داد تا پر خویشت بر ماه کشد.

- برای بیان تردید، باید دید که:

از دست ما کاری ساخته نیست تا خدا چه بخواهد.

- هنگام آسیب دیدن یا تنبیه شدن کسی گفته می‌شود تا فرد دیگر نباید آن کار را بکند:

تا تو باشی هر حرفی را نرنی.

- از وقتی که:

تا بوده، همین بوده و تا هست، همین است.

- حتی:

همه جا، تا روی پشت بام را هم گشت، ولی چیزی پیدا نکرد.

- در نتیجه:

اهل حق، چون نافه به کلی برکنده گشتند، تا ناک دهان، جگرسوخته بر مشک تبتی (به عنوان مشک تبتی) می‌فروشدند.

- زنهار:

ز صاحب غرض تا سخن نشنوی/ که گر کار بندی پشیمان شوی.

۳-۱-۲. «تا» به عنوان حرف اضافه

در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) برای تکواژ «تا» به عنوان حرف اضافه، ۳ معنا در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

- برای رساندن مفهوم پایان زمان یا مکان یا امری:

از ۸ تا ۱۲، از تهران تا شیراز.

- برای بیان تفاوت دو چیز یا دو شخص با هم:

آدم داریم تا آدم.

- در مفهوم توالی و تعاقب:

سال تا سال شما را نمی‌بینیم.

۲-۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر پیکره‌بنیاد است و داده‌ها از تعاملات زبانی گویشوران مناطق مختلف (روستاها و شهرهای) استان‌های آذربایجان شرقی و اردبیل جمع‌آوری شده‌اند. تعاملات زبانی ۳۶ گویشور (۲۰ مرد و ۱۶ زن) در بافت‌های محاوره‌ای رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی از طریق ضبط و یادداشت‌برداری گردآوری شده است. این گویشوران به لحاظ متغیرهایی مانند جنسیت، شغل، سن، طبقه اجتماعی، تحصیلات و تعداد افراد در مناطق مختلف دو استان ناهمگن بودند و تمرکز پژوهشگران بیشتر بر نوع گویشور و برابری تعداد آن‌ها بود. ۱۲ نفر از گویشوران، تک‌زبان آذربایجانی بودند و عمدتاً سن بالایی داشتند (بیشتر از ۶۰ سال). دوزبان‌های آذربایجانی-فارسی نیز به دو گروه تقسیم شدند. گروه ۱۲ نفره (دوزبان‌های عادی) که از سواد عمومی برخوردار بودند و یک گروه ۱۲ نفره دیگر که تحصیلات عالی (دانشجوی در حال تحصیل یا دارای مدرک کارشناسی و بالاتر) داشتند و واژه‌های فارسی زیادی در گفتار آن‌ها مشاهده می‌شد.

از جمله‌ها و پاره‌گفتارهای گردآوری شده که نمونه‌هایی از آن‌ها در مثال‌های (۱) تا (۱۲) ارائه شده است، ۸۰۴ تکواژ «تا» فارسی استخراج شد. تکواژ «تا» فارسی به هر دو صورت حرف ربط و حرف اضافه در گفتار گویشوران ظاهر شد که فراوانی کاربرد آن در معانی مختلف، طبق جدول (۱) نشان داده می‌شود. با دسته‌بندی و شمارش انواع مختلف تکواژ «تا» فارسی در پاره‌گفتارهای گویشوران، مشخص شد که حرف ربط «تا» برای بیان علت و نتیجه با فراوانی کاربرد ۳۲۰ مورد و حرف ربط «تا» به معنای «از وقتی که» با فراوانی کاربرد ۱۰ مورد، به ترتیب از بیشترین و کمترین فراوانی کاربرد برخوردار هستند. ترتیب فراوانی کاربرد داده‌های پژوهش حاضر را می‌توان به این صورت نشان داد:

علت و نتیجه < تا زمانی که > پایان زمان، مکان یا امری < همین که > شرط < تفاوت دو چیز یا دو شخص با هم > تردید < از وقتی که >

در کل، می‌توان گفت که این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ابتدا تظاهر آوایی تکواژ «تا» فارسی با دو نقش دستوری متفاوت (حرف ربط و حرف اضافه) از گفتار گویشوران (تک‌زبان آذربایجانی، دوزبان عادی

آذربایجانی-فارسی و دوزبانه تحصیل کرده آذربایجانی-فارسی) استخراج و سپس فراوانی کاربرد همین تکواژ در معانی مختلف مشخص شد. در ادامه، داده‌های مذکور بر اساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی که در حوزه پدیده برخورد زبان‌ها ارائه شده است، به ویژه طبق دیدگاه میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶) تحلیل شد.

جدول ۱.

فراوانی کاربرد تکواژ «تا» فارسی به صورت حرف ربط و حرف اضافه در گفتار گویشوران

جمع	فراوانی	نوع گویشور			معانی مختلف تکواژ «تا»	نوع تکواژ
		دوزبانه عادی	دوزبانه تحصیل کرده	تک‌زبانه		
۶۹۹	۳۲۰	✓	✓	✓	۱. علت و نتیجه	حرف ربط
	۳۰۵	✓	✓	✓	۲. تا زمانی که	
	۳۶	✓	✓	✓	۳. همین که، وقتی که	
	۱۶	✓	✓	✓	۴. شرط	
	۱۲	✓	✓		۵. تردید	
	۱۰	✓	✓		۶. از وقتی که	
۱۰۵	۹۳	✓	✓		۱. پایان زمان یا مکان یا امری	حرف اضافه
	۱۲	✓	✓		۲. تفاوت دو چیز یا دو شخص با هم	

۴. تحلیل داده‌ها

بررسی داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش نشان می‌دهد که تکواژ «تا» فارسی به عنوان هر دو نوع عنصر نقشی (حرف ربط و حرف اضافه) در تعاملات زبان گویشوران آذربایجانی ظاهر شده است. همان‌طور که در جدول (۱)، نمایش داده شد، تکواژ «تا» فارسی به صورت حرف ربط در گفتار همه گویشوران آذربایجانی مشاهده شده است؛ در صورتی که همین تکواژ به عنوان حرف اضافه فقط در گفتار دوزبانه‌های آذربایجانی-فارسی نمود آوایی پیدا کرده است و تک‌زبانه‌های آذربایجانی از این تکواژها به عنوان حرف اضافه استفاده نکرده‌اند. همچنین بسامد یا فراوانی کاربرد حرف ربط «تا» نسبت به حرف اضافه «تا» در گفتار تمام گویشوران (یک‌زبانه و دوزبانه) بیشتر است. بنابراین گویشوران آذربایجانی از هر دو نقش دستوری (حرف ربط و حرف اضافه) تکواژ «تا» فارسی با معانی مختلف در بافت‌های گوناگون زبانی استفاده کرده‌اند که البته فراوانی کاربرد آن‌ها نیز متفاوت است. بیشترین کاربرد تکواژ «تا» در گفتار گویشوران، به کاربرد «تا» برای بیان علت و نتیجه اختصاص دارد و کمترین کاربرد این تکواژ به معنای «از وقتی که» می‌باشد.

تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط با معانی حتی، هر قدر که، در نتیجه، زنه‌ار، نشانه آسیب دیدن کسی، بعد از فعل‌هایی همچون فرمودن و گفتن و... در میان داده‌های جمع‌آوری شده، مشاهده نشد. همچنین گویشوران آذربایجانی تکواژ «تا» فارسی را به صورت حرف اضافه با معنی توالی و تعاقب به کار نبرده‌اند. در ادامه، تظاهر

آوایی تکواژ «تا» در گفتار گویشوران طبق طبقه‌بندی فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) براساس معنا و مفهوم، با مثال و جزئیات بیشتری تشریح می‌شود.

۴-۱. کاربرد تکواژ «تا» به صورت حرف ربط در گفتار گویشوران آذربایجانی

– برای بیان علت و نتیجه

1. jūnda varziš ely-ram tā ārix-li-yām.

لاغر شوم تا می‌کنم ورزش هر روز

۱. هر روز ورزش می‌کنم تا لاغر شوم.

– تا زمانی که

2. tā olār jal-me-yib, özüv-i yetir.

برسان را-خودت نیامده‌اند آنها تا

۲. تا آن‌ها نیامده‌اند، خودت را برسان.

– همین که، وقتی که

3. tā san-i jör-dim, kef ela-dim.

شدم خوشحال دیدم را-تو تا

۳. تا تو را دیدم خوشحال شدم.

– شرط

4. tā işla-ma-san pıl yoxd-ı.

نیست پول کارکنی تا

۴. تا کار نکنی، پولی نیست.

– تردید

5. sabr eli-yax tā jor-ax āllāh na isle-yir.

می‌خواهد چه الله ببینیم تا کنیم صبر

۵. صبر کنیم تا ببینیم خداوند چه می‌خواهد.

– از وقتی که

6. tā dard vār darmān-dā vār.

هست نیز-درمان هست درد تا

۶. تا درد هست، درمان نیز وجود دارد.

۴-۲. کاربرد تکواژ «تا» به صورت حرف اضافه در گفتار گویشوران آذربایجانی

- برای رساندن مفهوم پایان زمان یا مکان یا امری

7. bir-dān tā Tabriz-a beš sahat čah-di.

طول کشید ساعت پنج به-تبریز تا از-اینجا

۷. از اینجا تا تبریز ۵ ساعت طول کشید.

8. jeja-dan tā sahar-a oyāx gāl-dīm.

ماندم بیدار به-سحر تا از-شب

۸. از شب تا سحر بیدار ماندم.

- برای بیان تفاوت دو چیز یا فرد با هم

9. istamax vār tā istamax.

دوست داشتن تا هست دوست داشتن

۹. دوست داشتن داریم تا دوست داشتن.

10. ādām vār tā ādām.

آدم تا هست آدم

۱۰. آدم داریم تا آدم.

در میان داده‌های گردآوری‌شده، گروه‌های حرف اضافه‌ای یافت شد که تمامی سازه‌های آن‌ها به واژگان زبان فارسی تعلق داشت مانند «از اول مهر تا آخر آذر» در مثال (۱۱) و «از فرش تا عرش» در جمله (۱۲). البته این نوع داده‌ها (گروه‌های حرف اضافه‌ای) فقط در گفتار دوزبانه‌های تحصیل‌کرده آذربایجانی-فارسی تجلی آوایی داشت.

11. az avvel-e mehr tā āzar-e āzar kilās-lār-ā jal-a-jax-siz.

خواهید آمد به-کلاس‌ها آذر آخر تا مهر اول از

۱۱. از اول مهر تا آخر آذر به کلاس‌ها خواهید آمد.

12. tafāvot-lār-ī az farš tā arš-di.

است-عرش تا فرش از تفاوت‌شان

۱۲. تفاوت‌شان از فرش تا عرش است.

زبان آذربایجانی جزو زبان‌های پیوندی و پس‌اضافه‌ای است؛ نقش‌نماهای اسمی در این زبان به صورت پسوند به اسم‌ها ملحق می‌شوند تا نقش‌های دستوری را نشان دهند. برای مثال، در گروه‌های حرف اضافه sahar-dan (از سحر تا شام)، نقش‌نماهای -dan (از) و -ājān (تا) به اسم‌ها متصل شده‌اند تا نقش متممی

آن‌ها را مشخص کنند. در حالی که همین نقش‌نماها (از، تا...) در زبان فارسی به عنوان تکواژهای آزاد پیش از اسم به کار برده می‌شوند. میرزاسکاتن (۲۰۰۲) مدعی است که اگر ترتیب سازه‌های گروه‌های اسمی، حرف اضافه و... در دو زبان ماتریس^۱ و درونه^۲ با هم در انطباق نباشند، گروه‌های اسمی و حرف اضافه‌ای زبان درونه به صورت جزایر زبان درونه^۳ در پاره‌گفتارهای زبان ماتریس دو زبانه‌ها ظاهر می‌شود. به گفته میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶) جمله‌ای که دارای سازه‌های دو زبان است، یکی از زبان‌ها به عنوان زبان ماتریس، چارچوب نحوی-ساختواژی جمله را تعیین می‌کند و به زبان دیگری که نقش کم‌رنگی در شکل‌گیری همان جمله ایفا می‌کند، زبان درونه گفته می‌شود. برای مثال در جمله «هنوز paper من accept نشده است» زبان فارسی به عنوان زبان ماتریس چارچوب نحوی-ساختواژی جمله را شکل داده است و واژه‌های انگلیسی paper و accept به صورت عناصر رمزگردانی‌شده در درون جمله فارسی به کار برده شده‌اند.

در مثال‌های (۱۱) و (۱۲)، زبان آذربایجانی زبان ماتریس است و جمله‌ها طبق نحو و ساختواژه آن زبان ظاهر می‌شوند، زبان فارسی نیز به عنوان زبان درونه در شکل‌گیری جمله نقش داشته است. عدم انطباق ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه در زبان‌های فارسی و آذربایجانی باعث شده است تا گروه‌های حرف‌افزای فارسی (از اول مهر تا آخر آذر و...) به صورت جزایر زبان درونه در پاره‌گفتارهای گویشوران دوزبانه‌های آذربایجانی-فارسی نمود آوایی پیدا کنند. این نوع ترکیب‌های زبانی که از آن‌ها تحت عنوان جزایر زبان درونه یاد می‌شود، فقط در گفتار دوزبانه‌های آذربایجانی-فارسی تحصیل‌کرده مشاهده شود که تعداد ۶۵ مورد از آن‌ها در میان داده‌های گردآوری‌شده ثبت شد. به عبارت دیگر از ۱۰۵ مورد کاربرد تکواژهای «تا» فارسی به صورت حرف اضافه در بین دوزبانه‌ها، ۶۵ مورد به صورت جزایر زبان درونه توسط دوزبانه‌های تحصیل‌کرده آذربایجانی-فارسی استفاده می‌شوند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بروز و ظهور تکواژ «تا» فارسی به صورت دو عنصر نقشی (حرف ربط و حرف اضافه) در زبان و گفتار گویشوران آذربایجانی برمبنای دو معیار بسامد کاربرد تکواژ غیربومی در زبان پذیرا، همچنین کاربرد همین تکواژ توسط طیف مختلفی از گویشوران (تک‌زبانه، دوزبانه عادی، دوزبانه تحصیل‌کرده) بررسی شد. بسامد یا فراوانی کاربرد تکواژ و تک‌زبانه یا دوزبانه‌بودن گویشوران، معیارهای معتبری هستند که میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶) با اتکا به آن‌ها، روند راه‌یابی و تثبیت عناصر زبانی از یک زبان به زبان دیگر را تبیین کرده است؛ بر این اساس، اغلب سازه‌های زبانی ابتدا در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر و به تدریج و با کسب فراوانی و کاربرد بیشتر به گفتار تک‌زبانه‌ها

¹ matrix

² embedded

³ embedded language islands

نیز راه یافته و به صورت عناصر فرضی در زبان پذیرا تثبیت می‌شوند. بر مبنای روند پیشنهادی میرزاسکاتن (۱۹۹۳-۲۰۰۶) می‌توان فرایند راه‌یابی تکواژ «تا» فارسی به گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی را به صورت پیوستار (۱) نشان داد.



شکل ۱. پیوستار راه‌یابی تکواژ «تا» فارسی به گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی

چنانچه در شکل (۱) مشاهده می‌شود تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط (در معانی بیان علت، زمانی که، همین که، شرط) در گفتار همه گویشوران، حتی گویشوران تک‌زبانۀ آذربایجانی به وفور یافت می‌شود. همچنین فراوانی کاربرد تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط (در معانی بیان علت، زمانی که، همین که، شرط) نسبت به فراوانی کاربرد همین تکواژ به صورت حرف اضافه خیلی بیشتر است. بنابراین دو معیار بسامد کاربرد و راه‌یابی عنصر زبانی به گفتار و زبان تک‌زبانۀها، شواهدی دال بر فرضی بودن تکواژ «تا» به عنوان حرف ربط در زبان آذربایجانی است. افزون بر این، همان‌طور که در پیشینه پژوهش بیان شد کامری (۱۹۸۹) به حرف ربط «تا» فارسی اشاره می‌کند که مانند سایر حروف ربط آن زبان از آغاز قرن سیزدهم میلادی به زبان‌های ترکی انتقال یافته است. سایر زبان‌شناسان و دست‌نویسان مانند آندرهیل (۱۹۷۹)، فرزانه (۱۳۵۷) و لی (۱۹۹۶) از حروف ربط فارسی مثل حرف ربط «تا» یاد می‌کنند که گویشوران آذربایجانی در زبان خود به صورت تکواژ فرضی به کار می‌برند. پس شواهد تاریخی (مطالعات پیشین) نیز تأکید دارند که حرف ربط «تا» به صورت یک عنصر فرضی در زبان آذربایجانی نقش‌آفرینی می‌کند.

تکواژ «تا» به عنوان حرف اضافه و حرف ربط در معانی خاص (تردید، از وقتی که) هنوز به صورت عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانۀها نمود آوایی دارند و ممکن است با گذشت زمان و به تدریج به گفتار تک‌زبانۀها راه یابند و به صورت عناصر فرضی در زبان آذربایجانی تثبیت شوند. زیرا تکواژ «تا» به عنوان حرف اضافه و حرف ربط در معانی خاص، فراوانی کاربرد پایین‌تری در گفتار گویشوران آذربایجانی دارند؛ همچنین این تکواژها فقط در گفتار دوزبانۀهای آذربایجانی-فارسی ظاهر می‌شوند و هنوز به گفتار تک‌زبانۀهای آذربایجانی راه پیدا نکرده‌اند. چنانچه در پیشینه و مبانی نظری تشریح شد، زبان‌شناسان مختلفی نظیر میوسکن (۱۹۸۱) توماسون و کافمن (۱۹۸۸)، ماتراس (۲۰۰۹)، سیفارت (۲۰۱۷) و... سلسله‌مراتب قرض‌گیری عناصر زبانی در زبان‌های مختلف دنیا را به تصویر کشیده‌اند و همه این دیدگاه‌ها به انتقال راحت‌تر و پیش‌تر حروف ربط نسبت به حروف اضافه در زبان‌ها اشاره کرده‌اند. آن‌گونه که میرزاسکاتن (۲۰۰۲) تأکید دارد، تمامی دیدگاه‌های مطرح در پدیدۀ

برخورد زبان‌ها، نتایج قرض‌گیری را بررسی کرده‌اند و از پرداختن به روند و فرایند پدیده قرض‌گیری بازمانده‌اند؛ در صورتی که پیوستار رمزگردانی - قرض‌گیری به خوبی روند راه‌یابی و تثبیت عناصر غیربومی در زبان پذیرا را ترسیم می‌کند. بررسی تکواژ «تا» فارسی در گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی نیز مهر تأییدی بر روند انتقال تدریجی یک عنصر نقشی از زبانی به زبان دیگر است که از طریق پیوستار شکل (۱) به نمایش گذاشته شده است.

برخورد زبانی در یک جامعه دو یا چندزبانه یک رویداد طبیعی است که به دنبال آن، پدیده‌هایی نظیر رمزگردانی زبانی، قرض‌گیری، همگرایی و... نیز اتفاق می‌افتند. در کشور ما که نمونه‌ای از کشورهای دارای تنوع زبانی و گویشی غنی است، زبان فارسی به دلیل جایگاه رسمی، ادبی و فرهنگی به عنوان زبان غالب عمل می‌کند و ویژگی‌ها و عناصر زبان فارسی در راستای همگرایی زبانی، همچنان به دیگر زبان‌ها و گویش‌ها از جمله زبان آذربایجانی انتقال می‌یابد. چنانچه در این پژوهش تلاش شد تا بخشی از این همگرایی در قالب کاربرد تکواژ «تا» فارسی در گفتار و زبان گویشوران آذربایجانی مطالعه شود.

۶. منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن (جلد دوم). تهران: سخن.
- حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۷). تأثیر تماس زبانی بر کاربرد حروف ربط فارسی در ترکی آذربایجانی. *پژوهش‌های زبانی*، ۹ (۲)، ۱۰۹-۱۲۸.
- داوری، شادی (۱۳۹۹). نظام حروف ربط در تاریخ بلعمی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۶ (۳۲)، ۲۱۹-۲۴۵.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). *مبانی دستور زبان آذربایجانی*. تهران: فرزانه.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۴). *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*، ویرایش دوم. تهران: سمت.
- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology*. 2nd ed. Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- Durkin, P. (2014). *Borrowed words: A history of loanwords in English*. Great Britain: Oxford University Press.
- Haugen, E. (1950). The analysis of linguistic borrowing. *Language*, 26, 210-231.
- Lee, S. N. (1996). *A grammar of Iranian Azerbaijani*. Doctoral dissertation. Sussex university.
- Matras, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moravcsik, E. (1975). Verb borrowing. *Wiener Linguistische Gazette*, 8, 3-30.
- Muysken, P. (1981). Quechua en Spaans in het Andesgebied. [Quechua and Spanish in the Andes.]. *Tijdschrift voor Taalen Tekstwetenschap I*, 124-138.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: grammatical structure in code-switching*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (1997). Code-switching. In F. Coulmas (ED.), *The handbook of sociolinguistics* (pp. 217-237). London: Blackwell.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2006). *Multiple voices: An introduction to bilingualism*. Malden, MA: Blackwell.
- Seifart, F. (2017). Patterns of affix borrowing in a sample of 100 languages. *Journal of Historical Linguistics*, 7(3), 389-431. <https://doi.org/10.1075/jhl.16002.sei>

- Thomason, S. & Kaufman, T. (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Underhill, R. (1979). *Turkish grammar*. Cambridge: MIT Press.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact: Findings and problems*. New York: Linguistic Circle of New York.

